

کر بلا ام در آرزوی بد شربت آید جان بدادم ملت را پیش ما آید اند و
 مانند اند تو ساجون کلیمه بشنید گفت بحق محمد خدای بر تو که بقیامت
 مرا شفاعت فراموش مکن پس آن کشند گمان وی خواستند که آن سیم
 قسم کنند بعضی سنان شد و بعضی سفال و بعضی خاک آن راه را نشست
 شهادت بر آورد و گفت لا اله الا الله محمد رسول الله انگاه آن قوم گفت
 ای خاکسار گواه از عیسی سیم خوی صاند در روم ترسایان دوازده هزار
 سیم خرد و زر گرفتند بهمنان که تواند بود که این آن سیم خواست شما
 بجای ای ایمان دارید و با فرزند وی چنین میکنند کدام بدیده است که امر و زکام
 نیست کدام سینه است که این دم با غم نیست آن جماعت این بکشتن وی شهادت
 بودند ما باری غمناک باشیم ایشان را آن ندادند ما باری آید بدیده مبارک
 ایشان بدان فعل مزور و عقوبت ما را بدین آید بدیده یا الهی بنور رحمت
 کردن الفصل السابع والاربعون
 قوله تعالى الذين اذا اصابهم مصيبة
 وقال عليه السلام ان الله الناس بلاء الا نبيا و لا اوليا و لا امثلا
 فامثل بيوتكم على حسبت بنده سيد رسول خواجه سبل فرمود که
 سخن بن کس در بلاها بپهرانند باز اولیا بخدا اند باز هر کسی بحق نزدیک

تر

تر بلا او پیشتر سید عالم صلی الله علیه و سلم از هه بزرگتر بود که لاجرم رنج وی
 از هه بیشتر بود ما او ذی نبی مثل ما او ذی نبی جبرئیل چند بار مقرر صلی الله
 علیه و سلم را خبر داده بود بکشتن حسین بکبار چهار ماهه بود بار دوم سه
 ساله بود بار سیم هفت ساله بود و چون چهار ماهه بود جبرئیل مقرر صلی
 الله علیه و سلم را خبر کرد و آن چنان بود که عباس عبدالمطلب را از خوش بود
 که او را ام الفضل گفتند سه سپرداشت آن زهیون بخواجه یکبار باره
 از رسول خدا گوید بوی دادند این خواب را بار رسول گفت رسول فرمود
 که تعبیر این است که فاطمه باردار است و او پسری آید آن کودک باره بود
 از من زیرا که فاطمه باره بود از من که الفاطمة تضعه منی من آن کودک
 را بدایم بشود هم از آن مناد شد چون فاطمه بار نهاد آن زن بیامد حسین
 را در قاطر پیچیدند و پیش رسول آوردند مهتر عالم صلی الله علیه و سلم بان
 نماز در کوش راست وی گفت و او را بدایم با ام الفضل داد و وعده
 و فاکر دعایان امت را در قیامت وعده شفاعت کرده که شفاعتی که اهل
 الکبائر من امتی اولی تر که خلافت نکند ام الفضل حسین را بچانه خود
 برد و روزی مهتر صلی الله علیه و سلم بحجرو وی را آمد حسین را در کنار گرفت